

سیاست خارجی آمریکا؛ گرفتار در تعارض‌ها و تقابل‌ها

دکتر محمود یزدان‌فام*

اشاره:

در ماه اخیر و پس از فروکش کردن اعتراضات سیاسی و مدنی در داخل آمریکا، تمرکز ترامپ بر مسائل و موضوعات سیاست خارجی افزایش یافت اما ابهام و سردرگمی همچنان مهم‌ترین ویژگی سیاست خارجی آمریکا است و برآیند تقابل‌ها و تعارض‌های درونی و رویدادها و اقدامات کنش‌گران دیگر تأثیر زیادی در شکل‌گیری و جهت‌یابی سیاست خارجی ترامپ دارد. چگونگی مواجهه آمریکا با بحران سوریه و داعش و روابط با چین و کره شمالی دو موضوع اساسی در شکل‌دادن به سیاست خارجی ترامپ به شمار می‌آیند. این نوشتار ضمن تشریح سیاست آمریکا در قبال این دو بحران، تأثیر آن‌ها بر راهبرد آمریکا در قبال ایران را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است.

مقدمه

سه ماه پس از شروع به کار دولت ترامپ در آمریکا و فروکش کردن اعتراضات سیاسی و خیابانی، تمرکز ترامپ بر مسائل و موضوعات سیاست خارجی افزایش یافته است. ناآشنایی ترامپ با سیاست، تیم کاملاً جدید دولت و تقابل با ساختارها و اصول پذیرفته‌شده موجب ابهام گسترده در رویکرد و سیاست خارجی ترامپ شده است. در دولت گذشته آمریکا، جمهوری اسلامی و اعضای گروه ۵+۱ به‌رغم همه کشمکش‌هایی که ایران و آمریکا داشتند، موفق شدند در موضوع هسته‌ای به توافق برسند. دولت ترامپ که سیاست مشخصی در مورد برجام اعلام نکرده است و توافق چندانی با آن ندارد؛ ایران را به بی‌ثبات‌سازی منطقه متهم کرده و تلاش‌های موشکی آن را تهدیدی علیه منافع حیاتی و امنیت

متحدهای منطقه‌ای خود قلمداد می‌کند، با همه این‌ها هنوز ابهام، وجه مشخصه سیاست خارجی ترامپ در جهان است.

در سه ماه گذشته ترامپ با صدور فرمان‌های اجرایی، انتخاب کارگزاران، دیدار با مقامات کشورهای دیگر، اظهار نظر در مورد مسائل و رویدادهای داخلی و خارجی نشانه‌های دیگری از سیاست خارجی مورد نظر خود را ارائه کرد. حال پرسش اصلی این است که با توجه به رویدادهای جدید، سیاست و راهبرد آمریکا در قبال مسائل غرب آسیا و از جمله ایران چیست؟ این رویدادها چه تأثیری بر روند اقدامات و راهبرد آمریکا دارد؟ جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع حیاتی خود چه سیاست و راهبردی را باید در پیش بگیرد؟

ناآشنایی ترامپ با سیاست، تقابل کارگزاران جدید با ساختار مرسوم سیاست آمریکا و تناقض‌های جدی در سیاست اعلامی رئیس‌جمهور جدید آمریکا موجب شده است که رویدادها نقش مهمی در تعیین و تثبیت سیاست خارجی آن داشته باشند. از این منظر برای پاسخ به پرسش‌های فوق لازم است ابتدا رویدادهای مهم دو ماه اسفند ۱۳۹۵ و فروردین ۱۳۹۶ را در سه حوزه سوریه، شرق آسیا و جمهوری اسلامی ایران به اجمال طرح و سپس با بررسی پیامدهای آن‌ها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، راهبرد مناسب و مفید ایران را در این زمینه تشریح کرد.

حمله موشکی آمریکا به سوریه

ایالات متحده آمریکا در ۱۸ فروردین ۱۳۹۶ در یک اقدام غافل‌گیرانه با ۵۹ فروند موشک تام‌هاوک یکی از پایگاه‌های نظامی دولت بشار اسد را هدف قرار داده و و تعدادی از هواپیماهای این دولت را نابود کرد. بر اساس ادعای دولت آمریکا این حمله به دلیل استفاده ارتش سوریه از سلاح‌های شیمیایی صورت گرفت. حمله، درست سه روز بعد از حمله شیمیایی به خان شیخون که موجب کشته شدن ۸۹ تن و مجروح شدن بیش از ۳۰۰ نفر شد، صورت گرفت. روز قبل اعضای شورای امنیت سازمان ملل در خصوص برخورد با استفاده از سلاح‌های شیمیایی به نتیجه نرسیدند و قطعنامه پیشنهادی انگلستان و فرانسه با وتوی روسیه روبرو شد. هر چند استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه بدون مشخص شدن نتایج بررسی‌ها با محکومیت گسترده بین‌المللی مواجه گشت و به نظر می‌رسد که یکی از رویدادهای بسیار مهم و تأثیرگذار در روند تحولات بحران سوریه است اما اکنون این پرسش مطرح است که دلایل حمله موشکی آمریکا به سوریه چه بود؟ آیا این اقدام به معنای تغییر سیاست و راهبرد آمریکا در قبال سوریه است؟ این نوع حملات چقدر ادامه خواهد یافت و چه پیام‌ها و پیامدهایی دارد؟

دولت ترامپ پس از شکست‌های متعدد در سیاست داخلی و بالاگرفتن تنش در عرصه عمومی سیاست آمریکا در خصوص روابط ترامپ و افراد کلیدی آن با روسیه به شدت تحت فشار بود. حمله شیمیایی به خان شیخون این فرصت را برای ترامپ فراهم آورد تا جدیت، قاطعیت، تفاوت و پیش‌بینی‌ناپذیری خود را به رقبای آمریکا در جهان نشان دهد. این حمله پیام‌های متعددی داشت که رکس تیلرسون وزیر خارجه آمریکا به برخی از آن‌ها اشاره کرد: «پشت حملات موشکی تلافی‌جویانه آمریکا به سوریه پیام تغییر نکردن سیاست‌های نظامی آمریکا در قبال سوریه نهفته است. بشار اسد باید بداند که نقض معاهداتش درباره منع استفاده از سلاح شیمیایی بدون جواب نخواهد ماند». آمریکا بدون این که منتظر نتیجه بررسی سازمان‌های بین‌المللی در مورد مسئولیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه بماند، به شکل یک‌جانبه و بدون در دست داشتن مصوبه شورای امنیت سازمان ملل اقدام کرد.

حمله دولت ترامپ به سوریه نشان‌دهنده چرخش مهم در سیاست خارجی این کشور است. از نظر آمریکا مسئله اصلی در سوریه داعش است. ترامپ در نقد سیاست بوش و اوپاما بارها اعلام کرده

بود که آمریکا دیگر به دنبال دولت‌سازی در جهان نیست؛ چیزی که اهمیت دارد تأمین منافع آمریکا است. آمریکا نباید از سوی جامعه جهانی اقدام کند. حمله ترامپ به سوریه نشان‌دهنده تمایز سیاست آن با دو رئیس‌جمهور سابق این کشور و تحول مهم در سیاست اعلامی آن در قبال بحران سوریه است. ترامپ برخلاف بوش به دنبال اهداف بلندمدت و ساختاری مانند عملیاتی کردن طرح خاورمیانه بزرگ و ساختن دولت‌های دموکراتیک نبوده و نیست. به‌رغم این که ترامپ همانند بوش بدون در اختیار داشتن مجوز سازمان ملل و به صورت یک‌جانبه به عراق حمله کرد اما اقدام نظامی آن محدود به هدفی مشخص بود و بلافاصله بعد از حمله آن را تمام شده اعلام کرد که ممکن است به تناسب اقدام دولت سوریه تکرار شود. در این مسئله ترامپ کوشید خود را متفاوت از اوپاما هم نشان دهد. رئیس‌جمهور جدید آمریکا، اوپاما را به بی‌عملی و تعویق مشکلات آمریکا به رؤسای جمهور بعدی متهم کرده و وضعیت کنونی سوریه را ناشی از عملکرد نادرست دولت اوپاما در سوریه دانست. وی گفت اگر اوپاما در زمانی که خط قرمز اعلام شده آمریکا در سوریه نقض شد، علیه بشار اسد اقدام می‌کرد، امروز دیگر آن‌ها جرأت نمی‌کردند که دوباره از این سلاح وحشتناک استفاده نمایند. در این حمله ترامپ تلاش کرد تا نشان دهد که برخلاف اوپاما، بسیار جدی و قاطع است و در صورت نیاز به زور متوسل خواهد شد و در این اقدام حتی نیازی نمی‌بیند که موافقت کنگره آمریکا یا اعضای دائمی شورای امنیت را کسب کند. آیا حمله



زمین و اسرا در شرق حلب عملی شد اما با حملات اخیر آمریکا به سوریه، ترکیه در چرخشی قابل توجه بار دیگر به سوی آمریکا و کشورهای عرب مخالف بشار اسد پیوست. در این میان فاصله بین ترکیه و روسیه بیشتر و به رغم خویشتن داری جمهوری اسلامی ایران، تنش کلامی بین آنکارا و تهران افزایش یافت. قاطعیت ترامپ در حمله به سوریه موجب افزایش اعتماد ترکیه به سیاست آمریکا در منطقه شده و اعتماد این کشور را به آمریکا افزایش داده است.

سناریوهای گوناگونی در مورد ادامه سیاست آمریکا در سوریه وجود دارد. نخستین سناریو این است که آمریکا این حمله را تنها به منظور نشان دادن قاطعیت خود و به رخ کشیدن قدرت نظامی آمریکا انجام داده و در صورت توافق با روسیه برای رسیدن به راه حل های دیپلماتیک و عدم استفاده دولت اسد از سلاح های شیمیایی، دیگر دست به حمله نظامی مستقیم نخواهد زد. این نوع حملات موجب افزایش خطر احتمال درگیری نظامی آمریکا با روسیه شده و روند روبه بهبود مناسبات دو کشور را که پس از روی کار آمدن ترامپ پررنگ شده بود، از بین برده است. توافق دیپلماتیک می تواند در تحقق این سناریو بسیار مؤثر باشد. این سناریو با سیاست اعلام ترامپ در مورد اسد و تمرکز بر نابودی داعش و تلاش برای بهبود روابط با مسکو هم خوانی بیشتری دارد.

گزینه دوم افزایش حمایت تسلیحاتی، تجهیزاتی، اطلاعاتی و آموزشی آمریکا از مخالفین بشار اسد و تداوم راهبرد موازنه نظامی فراساحلی است. این سناریو بر این فرض استوار است که در ماه های گذشته موازنه در صحنه نبرد به ضرر مخالفان رقم خورده و حمله نظامی محدود آمریکا و حمایت تسلیحاتی از مخالفان می تواند به بازسازی این موازنه کمک نماید. آمریکا نباید به صورت مستقیم و گسترده در بحران سوریه مداخله نظامی کند. جلوگیری از اشاعه سلاح های غیرمتعارف و پاسخ قاطع به هرگونه استفاده از آنها، حمایت فعالانه از مخالفان و تجهیز و تسلیح آنها، تضعیف توان نظامی دولت سوریه، ایجاد ائتلاف بین المللی منسجم و ارائه راه کارهای دیپلماتیک و تضعیف حمایت های ایران و روسیه از بشار اسد موجب خواهد شد که بحران سوریه بدون درگیری گسترده نظامی آمریکا به سرانجام برسد. سناریوی سوم مطلوب ترین سناریو برای آمریکا است. تحقق این سناریو به معنای آن است که دولت ترامپ می تواند همچنان بر هدف اصلی خود که نابودی داعش اعلام کرده، تمرکز نماید و تضعیف دولت سوریه موجب تقویت آن نشود.

آمریکا به سوریه را می توان به معنای تغییر سیاست ترامپ در قبال منطقه دانست و آیا این اقدامات ادامه خواهد یافت یا نه؟

هر چند دولت ترامپ به صراحت اعلام کرده است که سیاست آمریکا در قبال سوریه تغییر نکرده است اما به نظر می رسد بین سیاست آمریکا در دوره قبل و بعد از این حمله، تفاوت جدی وجود دارد. به رغم این که دولت آمریکا موضوع حمله به پایگاه شعیرات را قبل از اقدام به روس ها اطلاع داده بود اما حمله آمریکا به سوریه روند روبه بهبود روابط مسکو و واشینگتن را متوقف و به تنش بین آمریکا و روسیه دامن زده و موجب تشدید احتمال جنگ بین دو قدرت بزرگ شده است. برخی از دولت های اروپایی بعد از این اقدام آمریکا، به دلیل ترس از گسترش درگیری بین آمریکا و روسیه جانب احتیاط را گرفته و ضمن محکوم کردن حملات شیمیایی، برخی از همکاری های خود در ائتلاف علیه داعش را به تعلیق درآوردند.

حمله به خان شیخون و شعیرات به معنای تغییر در روند نزدیکی ترکیه به روسیه و ایران هم به شمار می آید. ترکیه از سال قبل و به دنبال ناامیدی در سرنگونی بشار اسد، بروز کودتا در آنکارا و گسترش تروریسم در داخل این کشور، در سیاست خود تجدید نظر کرده و گرایش بیشتری به ایران و روسیه پیدا کرد. در نشست های قزاقستان، ترکیه به یکی از طرف های اصلی مذاکرات تبدیل شد. این کشور با فشار به گروه های مخالف بشار اسد آنها را وادار کرد که به راه حل های دیپلماتیک تن دهند. با حمایت ترکیه طولانی ترین آتش بس بین ارتش سوریه و مخالفان برقرار و مبادله

نمودار ۱- سناریوهای احتمالی دخالت آمریکا در سوریه



جیب دولت‌های ثروت‌مند منطقه است. توافق آن‌ها بر سر این موضع و یافتن نقطه مناسب در این معادله می‌توان به تحقق سناریوی سوم کمک کند.

در کل حمله آمریکا به شعیرات نمادی از سرگردانی سیاست خارجی آمریکا در منطقه است که همچنان ادامه دارد. هر چند اقدام ترامپ در سوریه زاویه جدیدی را در سیاست خارجی آن ایجاد و جهت حرکت آمریکا را تاحدودی روشن کرد اما هنوز با وضوح کامل فاصله زیادی دارد. سیاست آمریکا در سوریه علاوه بر بن‌بست‌های سنتی با گرفتاری تازه‌ای نیز روبرو شده است. گرفتاری سنتی آن همان چیزی است که هیلاری کلینتون در کتاب خاطرات خود در این مورد بیان کرده است. اقدام دیپلماتیک و نظامی در قالب شورای امنیت با وتوی روسیه روبرو می‌شود و اقدام عملی در صحنه نبرد بسیار پرهزینه است و با مخالفت مردم آمریکا و متحدین آن مواجه می‌گردد. بدون اجماع بین‌المللی

سناریوی سوم مداخله نظامی فراگیر آمریکا در سوریه است. در این سناریو حمله موشکی آمریکا به پایگاه شعیرات عملاً به معنای پایان راهبرد موازنه فراساحلی و آغازی برای مداخله نظامی این کشور در سوریه است. به‌رغم این که دولت ترامپ صراحتاً مداخله نظامی در این کشور را رد کرده است اما تحلیل‌گران بر این باورند که ملی‌گرایی، خودبزرگ‌بینی ترامپ و اقدامات یک‌جانبه او در منطقه همچون باتلاقی آمریکا را به درون خود کشانده و آن را درگیر جنگ سوریه خواهد ساخت. به احتمال زیاد این سناریو در عمل و به صورت تدریجی اتفاق خواهد افتاد و در این راستا متحدان منطقه‌ای آمریکا نقش مهمی دارند. با حمله آمریکا به سوریه دولت ترکیه آشکارا از سیاست نزدیکی به روسیه فاصله گرفته و بار دیگر مواضع خود را علیه بشار اسد تندتر کرده است. ترکیه به همراه دیگر متحدین عرب آمریکا در منطقه به دنبال ایجاد منطقه امن در سوریه است. موافقت ترامپ با ایجاد این منطقه می‌تواند گام دوم آمریکا در مداخله نظامی مستقیم در سوریه تلقی شود. این راهبرد مورد حمایت اغلب متحدان منطقه‌ای آمریکا است و با مخالفت شدید روسیه، سوریه و ایران همراه است. ترکیه، عربستان و امارات متحده عربی آمریکا را تشویق می‌کنند که با تمام توان در سوریه وارد شده و به سرنگونی دولت بشار اسد اقدام کند. همان‌گونه که اوپاما گفت آن‌ها به دنبال تأمین اهداف خود با دست و هزینه آمریکا هستند و ترامپ به دنبال تأمین هزینه‌های اقدامات خود از

کند و مهم‌ترین اولویت آن احیای اقتصاد آمریکا است و از سوی دیگر به دنبال نشان‌دادن قاطعیت خود در عرصه بین‌المللی است. سیاست خارجی ترامپ بیش از این که بر بنیان راهبرد و طرحی مشخص استوار باشد، به شدت دچار سردرگمی و تعارض ساختاری و ذهنی است. ترامپ ضمن تمایل به اقتصاد و تجارت، به دنبال تقویت قدرت نظامی آمریکا است. ترامپ در زمانی که به شدت به سیاست‌های مداخله‌گرایانه بوش می‌تازد، دولت او با ما را به بی‌عملی و وادادگی متهم کرده و خواستار قاطعیت در اقدام است.

و اقدام نظامی بحران سوریه ره به جایی نخواهد برد. اگر برای کلینتون بن‌بست در عرصه عمل بود، برای ترامپ در معنا نیز وجود دارد. ترامپ با تعارض منافع آمریکا و منافع قدرت هژمون روبرو است. ترامپ از یک سو به دنبال عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر است و تأکید دارد که نمی‌خواهد از سوی جامعه جهانی اقدام

نمودار ۲- وجوه مشترک و متمایز سیاست خارجی دولت‌های آمریکا



در چنین وضعیتی سیاست خارجی آمریکا در منطقه، برآیند تقابل قوای متعارض در درون نظام فکری ترامپ، سپهر سیاسی آمریکا و تحولات و تغییرات در صحنه بین‌المللی خواهد بود. اقدامات برآمده از این فرایند با غافل‌گیری و شگفتی‌سازی همراه بوده و فردی‌شدن سیاست در کاخ سفید آن را تشدید خواهد کرد. سیاست‌های ترامپ از پختگی لازم برخوردار نبوده و بیش از این که نتیجه بررسی‌های گسترده کارشناسی و نظام سیاسی و مدنی آمریکا باشد، برآیند تقابل گرایش‌های متعارض در نظام تصمیم‌گیری خواهد بود. نگاهی به رویدادها و روندهای اخیر در صحنه نظام بین‌المللی جهت‌گیری‌های احتمالی آمریکا در ماه‌ها و سال‌های آینده را نشان خواهد داد.

از جنگ و توافق تجاری تا جنگ و بازدارندگی هسته‌ای

ایالات متحده آمریکا بر بنیان جایگاهی که در نظام بین‌الملل برای خود تعریف کرده، با مسائل و موضوعات متعدد جهانی روبرو است. سیاست خارجی این کشور به شرق آسیا و بحران سوریه و عراق محدود نمی‌شود. دولت ترامپ با مسائل و معضلات زیادی در عرصه بین‌المللی روبرو است و ایران و عراق یکی از آنها است. با روی کار آمدن دولت ترامپ مناسبات این کشور با همه کشورها و مناطق دیگر جهان به هم ریخت و تنها نکته امیدوارکننده در سیاست خارجی این دولت در قیاس با دولت قبل، احتمال بهبود مناسبات با کاخ کرملین بود که آن هم در سایه بحران سوریه دچار مشکل اساسی شده است. بعد از حمله آمریکا به سوریه برخی مقامات دو کشور روابط آنها را در وضعیتی به مراتب بدتر از دوره اوباما توصیف کردند.

تنش و درگیری دولت ترامپ در شرق آسیا کمتر از خاورمیانه نیست. یکی از شعارها و سیاست‌های افراطی ترامپ در یک سال گذشته معطوف به دولت چین بود. ترامپ دولت چین را به دست‌کاری در بازار آزاد، حمایت از اقتصاد ملی، از بین بردن فرصت‌های اقتصادی آمریکا متهم کرده و اعلام کرده بود که در صورت رسیدن به کاخ سفید با سیاست اقتصادی چین مقابله نموده و برخورد سختی با اقدامات آن در دریای چین خواهد داشت که علیه متحدان آمریکا در منطقه است. سیاست خویشتن‌دارانه چین در مقابل دولت جدید آمریکا، ترامپ را به نرمش و تجدید نظر

در سیاست‌های اعلامی خود وادار کرد. دیدار شی جین‌پینگ از آمریکا و استقبال گرم ترامپ از آن موجب کاهش تنش در مناسبات دو کشور شده است اما کره شمالی همچنان به عنوان یکی از کانون‌های بحران‌ساز در شرق آسیا توجه آمریکا را به خود جلب کرده است.

قبل از دیدار رئیس‌جمهور چین از آمریکا، دولت ترامپ انتظارات و خواسته‌های خود از چین را با صدای بلند اعلام کرد. تراز مثبت تجاری چین با آمریکا، پائین نگه‌داشتن ارزش پول ملی چین، حملات سایبری، روابط آمریکا با تایوان، ادعا و اقدامات پکن در مورد جزایر دریای چین و مسئله آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی از موضوعات مورد مناقشه پکن و واشینگتن هستند که در دستور کار رؤسای جمهور آمریکا و چین بودند. با وجود همه این اختلافات مقامات دو کشور بر این باورند که روابط مسالمت‌آمیز و نزدیک دو کشور برای تداوم رشد اقتصادی، ثبات سیاسی، امنیت ملی و بین‌المللی حیاتی است. آن‌ها بدون همکاری با یکدیگر نمی‌توانند در تأمین اهداف و منافع ملی خود موفق باشند و با مسائل و چالش‌های گسترده‌ای روبرو خواهند شد.

دیدار رؤسای جمهور دو کشور با همدیگر موجب کاهش تنش در روابط دوجانبه شده است. ترامپ از این دیدار اظهار رضایت کرد. بر اساس بیانیه اعلامی، آن‌ها چهارچوب مناسبی برای همکاری در حوزه تجارت و اقتصاد یافته‌اند. روابط دوجانبه در حال بازسازی است و به نظر

هشدار داد که اگر به اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه دولت پیونگ یانگ ادامه دهد، روابط دوجانبه دو کشور دچار آسیب‌های جدی خواهد شد. دونالد ترامپ پیش از این تهدید کرده بود که اگر چین، به عنوان هم‌پیمان اصلی کره شمالی، کمکی به مهار «جاه‌طلبی‌های کره شمالی» در زمینه سلاح‌های هسته‌ای نکند، آمریکا به اقداماتی یک‌جانبه روی خواهد آورد. وضعیت در شبه جزیره کره به شدت بحرانی است و تنش‌های کلامی به اقدامات عملی نمایش قدرت از سوی طرف‌های درگیر تبدیل شده و ممکن است با یک اقدام تحریک‌آمیز شعله‌های جنگ بین صاحبان دو قدرت هسته‌ای آغاز شود که برای امنیت بین‌الملل به مراتب بیشتر مخاطره‌آمیز است.

درگیری آمریکا در یک منطقه از جهان موجب تضعیف ظرفیت نظامی آن برای درگیری در مناطق دیگر خواهد شد. دولت آمریکا از سال ۲۰۰۶ راهبرد پیروزی در دو جنگ هم‌زمان را از سند راهبرد امنیت ملی این کشور حذف کرده است. رقبای آمریکا با علم به این موضوع و در دوره ابهام سرگشتگی سیاست ترامپ، در پی خویشتن‌داری آگاهانه در برابر سیاست واشینگتن هستند. تشدید تنش در هر کدام از مناطق بحرانی سه‌گانه شرق آسیا، خاورمیانه و اروپا به معنای کاهش توجه و توان اقدام آمریکا در دیگر مناطق است. کشورها تمایل ندارند آن‌ها قربانی سیاست نیروهای تندرو حاکم بر آمریکا شوند و واشینگتن توان اضافی خود را برای برخورد با آن صرف نماید.

از تفسیر سخت‌گیرانه برجام تا توافق هوایی

حوزه سومی که می‌توان به ارزیابی تغییرات و تکوین سیاست خارجی آمریکا پرداخت، روابط با جمهوری اسلامی ایران است. ایران و آمریکا نزدیک به چهار دهه است که با همدیگر در تنش و دشمنی هستند و روابط رسمی دیپلماتیک بین آن‌ها برقرار نیست. با وجود این، فعالیت‌های هسته‌ای ایران یکی از موضوعات پرتنش در مناسبات دو کشور بود که در دولت قبلی آمریکا به توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) منتهی شد. اما موضع دولت ترامپ با آن متفاوت است. دولت ترامپ ضمن نارضایتی شدید از برجام، لغو آن را برای آمریکا بسیار پرهزینه می‌داند. برجام یک توافق بین‌المللی است و آمریکا تنها یکی از امضاکنندگان آن است. اتحادیه اروپا به شدت از آن حمایت کرده و چین و روسیه آن

می‌رسد ابرهای تیره از مناسبات اقتصادی آن‌ها در حال کناررفتن است. احتمال وقوع جنگ تجاری بین دو سوی اقیانوس آرام به شدت کاهش یافته و آن‌ها در حال پی‌ریزی روابط اقتصادی عمیق‌تر با همدیگر هستند.

به رغم این که ترامپ از تعامل با دولت چین ابراز رضایت کرده اما موضوع کره شمالی همچنان به عنوان یک موضوع چالش‌برانگیز بر سپهر سیاسی و امنیتی شرق آسیا سایه افکنده و تلاش کره شمالی برای پرتاب موشک و آزمایش هسته‌ای موجب تشدید بحران شده است. آمریکا ناگروه دریایی خود را به سوی آب‌های ساحلی کره شمالی اعزام و با همکاری کره جنوبی دست به رزمایش نظامی در منطقه زد. مایک پنس معاون رئیس‌جمهور آمریکا از مرز دو کره دیدار و با حضور بر روی عرشه یک ناو هواپیمابر آمریکایی مستقر در آب‌های ژاپن گفت: «آنهایی که بخواهند قاطعیت یا آمادگی ما را بسنجند باید بدانند که ما هرگونه حمله را شکست خواهیم داد و هرگونه استفاده از سلاح‌های متعارف یا هسته‌ای را با پاسخ کوبنده و مؤثر آمریکایی جواب خواهیم داد». در همین حال آمریکا تهدید کرد که با تهدیدات کره شمالی با همکاری چین یا بدون آن مقابله خواهد کرد.

در روزهای پایانی فروردین، فشار چین بر کره شمالی نیز به شدت افزایش یافت و روابط دو متحد ایدئولوژیک با تنش کلامی همراه شد به گونه‌ای که هم‌زمان با توافق در شورای امنیت در مورد وضع تحریم‌های جدید علیه کره شمالی، پیونگ یانگ چین را نسبت به همراهی با آمریکا تهدید و



را موفقیتی برای دیپلماسی و حل و فصل یکی از مسائل پرتنش بین‌المللی می‌دانند.

برای اولین بار در ماه دسامبر سال گذشته به مجلس سنا تسلیم شد. براساس این طرح، تحریم‌های جدیدی علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و هواپیمایی ماهان وضع خواهد شد. به گفته تدوین‌کنندگان طرح، ماهان یک شرکت هواپیمایی ایرانی است که به سپاه پاسداران در گسترش تروریسم و افراط‌گرایی کمک کرده است. همچنین، دولت آمریکا ملزم خواهد شد تا فهرستی از مؤسسات و شرکت‌هایی تهیه کند که سپاه پاسداران مالکیت بیش از ۲۵ درصد سهام آنها را در اختیار دارد و آنها را مشمول تحریم قرار دهد.

مهم‌ترین ویژگی این طرح که با عنوان «قانون مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌ساز ایران» ارائه شده است، اعمال تحریم‌های جدید است که هم نقض برجام نباشد و هم بتواند مؤثر واقع شود. طبق این طرح تحریم‌ها به بهانه برنامه موشکی ایران، حمایت از تروریسم بین‌المللی، اقدامات بی‌ثبات‌ساز ایران در منطقه و نقض حقوق بشر تهیه شده است. سپاه در کانون اصلی تحریم‌های این طرح قرار دارد. ادعای نویسنندگان طرح این است که سپاه نه صرفاً نیروی قدس آن، عامل مهم بی‌ثبات‌ساز و حامی گروه‌های تروریستی و شورشی در منطقه است و به همین دلیل باید نام آن در فهرست گروه‌های تروریستی قرار گیرد و نسبت به تحریم آن و تمامی سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های مرتبط با آن اقدام شود.

همچنین در این طرح، خواسته شده است تا به دلیل نقض حقوق بشر در ایران، تحریم‌های حقوق بشری کنونی تشدید و تحریم‌های جدیدی به اجرا گذاشته شود.

سیاست دولت جمهوری خواه آمریکا
تفسیر سخت‌گیرانه از برجام و تلاش
برای اعمال تحریم‌های غیرهسته‌ای
و وادار کردن ایران به نقض برجام
است تا به راحتی بتواند اوضاع را به
ماقبل برجام بازگردانده و تحریم‌های
فلج‌کننده را از نو شروع کند و
جمهوری اسلامی ایران را وادار به
پذیرش خواسته‌های مورد نظر دولت
آمریکا نماید.

در چنین شرایطی سیاست دولت جمهوری خواه آمریکا تفسیر سخت‌گیرانه از برجام و تلاش برای اعمال تحریم‌های غیرهسته‌ای و وادار کردن ایران به نقض برجام است تا به راحتی بتواند اوضاع را به ماقبل برجام بازگردانده و تحریم‌های فلج‌کننده را از نو شروع کند و جمهوری اسلامی ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های مورد نظر دولت آمریکا نماید. فعالیت‌های موشکی، سیاست‌ها و اقدامات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و موضوع حقوق بشر سه حوزه متفاوتی است که دولت آمریکا می‌کوشد فشار بر ایران را افزایش دهد. تحریم ۲۵ شرکت و افراد مرتبط با فعالیت‌های موشکی ایران در اسفند ماه ۱۳۹۵ اعمال و متقابلاً جمهوری اسلامی ایران نیز چند شرکت آمریکایی را به دلیل حمایت از افراطی‌گری و نقض حقوق بشر و جنایت علیه بشریت تحریم کرد.

هم‌زمان با اعمال تحریم‌های فوق از سوی دولت آمریکا، سه سناتور آمریکایی مجدداً در اوایل فروردین طرحی را برای وضع تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران به سنای آن کشور تسلیم کردند. این طرح توسط مارکو رابو، تاد یانگ و جان کورنین، از اعضای سنای آمریکا از حزب جمهوری خواه تهیه شده و از حمایت باب کورکر سناتور دموکرات برخوردار است. این طرح

کرد. شرکت هواپیمایی آسمان به رغم فشار لابی‌های ضدایرانی در آمریکا موفق شد در مورد خرید ۳۰ فروند هواپیما با شرکت بوئینگ به توافق برسد.

هنوز از تمدید تعلیق تحریم‌های هسته‌ای ۲۴ ساعت نگذشته بود که وزیر خارجه آمریکا، رکس تیلرسون طی سخنان شدیدالحنی ادعا کرد که برجام «نمونه دیگری از باج‌دادن به قدرتی است که جاه‌طلبی‌های هسته‌ای دارد و دولت آمریکا مشغول بازنگری جامع سیاست خود در قبال ایران است». ترامپ نیز مدعی شد که اقدامات ایران در منطقه روح برجام را نقض کرده است. جیمز ماتیس، وزیر دفاع آمریکا نیز در دیدار از انگلستان گفت: «ایران در منطقه از تروریسم حمایت کرده و سیاست‌های آن موجب بی‌ثباتی در منطقه شده است».

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد دولت ترامپ در مورد جمهوری اسلامی ایران هنوز به سیاست و راهبرد مشخصی نرسیده و به تناسب رویدادها، فشارها و ادراکات خود موضع‌گیری می‌کند. یک روز از برجام حمایت و تعلیق تحریم‌های هسته‌ای را امضا و روز بعد اعلام می‌کند که در حال بررسی اتخاذ سیاست مناسب در قبال ایران است. در وضعیت ابهام و عدم قطعیت باید بر اصول کلی تأکید و آن‌ها را راهنمای عمل قرار داد. اصول راهنمای ایران می‌تواند به شرح زیر باشد:

۱. برجام فرصت‌های آمریکا را در اجرای سیاست‌های افراطی محدود کرده است. تأکید بر پایبندی همه طرف‌های توافق به اجرای دقیق برجام ضروری است. دو سال از توافق برجام و یک سال از اجرای آن گذشته است. اکنون زمان اجرای توافق است نه زمان مذاکره در مورد مفاد آن؛ چیزی که همه باید رعایت کنند متن توافق است؛ دولت‌ها نمی‌توانند به صورت یک‌جانبه توافق بین‌المللی را نقض کنند. اجرای دقیق توافق یک الزام حقوقی و اخلاقی است که هم مشروعیت بین‌المللی برای ایران فراهم می‌آورد و هم از شکل‌گیری اجماع علیه آن جلوگیری می‌کند.

۲. برجام پیروزی دیپلماسی بر تهدید و منطق بر هرج و مرج بود. جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد که در مسائل و موضوعات مورد اختلاف در چهارچوب‌های پذیرفته‌شده بین‌المللی گفت و گو نماید. ایران از چنان توان، منطق و اعتماد به نفسی برخوردار است

علاوه بر این، دولت آمریکا مؤظف خواهد شد تا در مورد شهروندان آمریکایی که توسط ایران بازداشت یا ربوده شده‌اند و اقدامات دولت برای آزادی آنان به طور شفاف به کنگره توضیح دهد. تحریم‌های جدیدی نیز علیه افرادی که آگاهانه به برنامه موشکی ایران کمک می‌کنند و علیه مؤسسات و شرکت‌هایی وضع خواهد شد که بیش از ۲۵ درصد از مالکیت آنها به سازمان‌های ایرانی دارای نقشی کلیدی در برنامه موشکی تعلق دارد. سازمان صنایع هوا فضا، گروه صنعتی شهید همت و گروه صنعتی شهید باکری از جمله این مؤسسات هستند. این طرح از رئیس جمهوری آمریکا می‌خواهد تا مشخص کند که افرادی که اسامی آنها در فهرست تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل وجود داشته قطعاً ارتباطی با برنامه موشکی ایران ندارند و در صورتی که تأیید عدم ارتباط آنها امکان‌پذیر نباشد، این افراد را هم مشمول تحریم قرار دهد. همچنین، افرادی که در بخش‌هایی از اقتصاد ایران دخیل هستند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با برنامه موشکی ارتباط دارد نیز تحریم شوند. این طرح حمایت نمایندگان هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه آمریکا را دارد و به نظر می‌آید که در صورت طرح و تصویب دولت ترامپ نیز از آن حمایت نماید.

در کنار اقدامات خصمانه فوق وزرات خارجه آمریکا در پایان فروردین به طور رسمی اعلام کرد که ایران به تمام تعهدات هسته‌ای خود پای‌بند بوده است و دولت ترامپ تعلیق تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران را برای سه ماه دیگر تمدید



که بتواند از منافع حیاتی خود به شکل اصولی و منطقی دفاع نماید. تأکید بر دیپلماسی ضمن افزایش جایگاه بین‌المللی ایران مانع از شکل‌گیری اجماع علیه منافع ملی کشور می‌شود.

۳. در روابط بین‌الملل ابهام و عدم قطعیت یک اصل پذیرفته شده است. در دوره گذار و با تشدید رویدادها این عدم قطعیت افزایش یافته و خطای ادراک، تصمیم‌گیری و اقدام تشدید می‌شود. تسلط بر نظام شناخت و تصمیم‌گیری، رعایت جوانب احتیاط، تأکید بر اصول و ارزش‌های پذیرفته‌شده شرط خردمندی است.

۴. در مورد سوره اصول و قوانین پذیرفته‌شده جامعه جهانی راهنمای سیاست و مواضع ایران خواهد بود و می‌توان آن را در چند گزاره بیان کرد: نخست، استفاده از سلاح‌های شیمیایی از سوی هر گروه، سازمان و دولتی و علیه هر کسی غیرقانونی، ضد بشری و محکوم است. دوم، سازوکارهای مشخصی برای کشف حقیقت وجود دارد. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب برای مشخص کردن استفاده‌کنندگان از سلاح‌های شیمیایی ضروری است. سوم، توسل به زور تنها در قالب مجوز شورای امنیت و اصل دفاع مشروع میسر است، حمله آمریکا به سوریه قبل از مشخص شدن حقیقت ماجرا و بدون دریافت مجوز شورای امنیت سازمان ملل نقض آشکار حقوق بین‌الملل است و باید محکوم شود. چهارم، مشروعیت‌زدایی از اقدامات قدرت‌های بزرگ و تأکید بر اصول و قوانین پذیرفته‌شده برای کسب مشروعیت و جلوگیری از اقدامات غیرقانونی ضروری است.

۵. قدرت نقش تعیین‌کننده در روابط بین‌الملل دارد اما در جهان امروز قدرت ابعاد و وجوه گوناگون دارد و قدرت نظامی تنها بعدی از قدرت به شمار می‌آید. بهره‌گیری از قدرت مشروع و تأکید بر حقوق و اهداف ملی، تعیین دقیق منافع حیاتی و دفاع قاطع از آن ضروری است.

۶. جمهوری اسلامی ایران برای تأمین اهداف و منافع ملی، باید راهبردهای ملی و منطقه‌ای خود را متناسب با تغییرات و تحولات داخلی و بین‌المللی مورد ارزیابی و بازبینی قرار دهد. تأکید بر اصول و منافع حیاتی و بازبینی در شیوه‌ها و سازوکارهای تأمین آن‌ها، راز موفقیت کشورها در نظام بین‌المللی است که رعایت آن می‌تواند ترکیب خردمندانه‌ای از قاطعیت و انعطاف‌پذیری را در پی داشته و پیش‌بینی‌پذیری، اطمینان و اعتماد را فراهم آورد.

۷. هیچ بحرانی تا ابد ادامه پیدا نمی‌کند. راهبرد متناسب با اهداف و منافع حیاتی در تنظیم سیاست‌ها ضروری است. پیش‌بینی روندهای احتمالی، سناریوهای ممکن و مطلوب راهی برای اجتناب از قرار گرفتن در دوراهی‌های سرنوشت‌ساز تصمیم‌گیری است.

با روی کار آمدن دولت جدید در آمریکا، کانال‌های ارتباطی رسمی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا از بین رفته است. همان‌طور که تجربه چهار سال مذاکرات هسته‌ای نشان داد در روابط بین‌الملل چیزی که اصلت دارد، منافع و امنیت ملی کشورهاست. برای تأمین اهداف و منافع ملی برقراری کانال‌های ارتباطی ضروری است. چیزی که در ارتباطات مهم است، حمایت از منافع ملی از موضع عزت، حکمت و مصلحت است. ترامپ به دلیل سابقه اقتصادی و نگاه تجاری به جهان ضمن تمایل به برقراری روابط اقتصادی، بی‌محابا از قدرت عریان استفاده می‌کند. در مواجهه با چنین وضعیتی جمهوری اسلامی باید نشان دهد که ضمن قدرتمندی از چنان عقلانیت و ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند طرف مذاکرات جدی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات باشد و اگر طرف مقابل از راه کارهای مسالمت‌آمیز خودداری کرده و به شیوه‌های نادرست متوسل شود، قادر است هزینه سنگینی به آن تحمیل کند.